

یادداشت

پیمان دفاعی سه جانبه؛

آیا منطقه وارد نظم جدیدی می‌شود؟



محسن شریف خدائی

تحلیلگر روابط بین الملل

در سال‌های اخیر، افزایش تنش‌ها در خلیج فارس، حملات پرانکه به کشتی‌ها در تنگه هرمز، رقابت‌های منطقه‌ای و کاهش نقش مستقیم آمریکا در تضمین امنیت متحدانش، همگی نشان داده‌اند که امنیت این آبراه دیگر نمی‌تواند بر حضور یک قدرت خارجی تکیه کند. ایران با موقعیت ژئوپلیتیک منحصربه‌فردش، به بازیگری تبدیل شده که هر گونه ترتیبات امنیتی جدید در منطقه ناگزیر باید نقش آن را در نظر بگیرد؛ چه در قالب بازدارندگی، چه در قالب تعامل و چه در قالب مدیریت بحران. در چنین شرایطی، کشورهای منطقه به‌خوبی دریافته‌اند که امنیت آینده خلیج فارس، بدون ساختارهای جدید و نقش‌آفرینی مؤثر قدرت‌های منطقه، قابل تضمین نیست.

در همین بستر است که پیمان دفاعی سه‌جانبه عربستان، ترکیه و پاکستان معنا پیدا می‌کند. این پیمان تنها یک توافق نظامی نیست؛ بلکه پاسخی است به مجموعه‌ای از نگرانی‌های امنیتی که طی یک دهه گذشته ابناشته شده‌اند. عربستان سعودی که در سال‌های اخیر با حملات پهپادی و موشکی و عدم توانایی ایالات متحده به‌عنوان متحد اصلی در تضمین امنیت آن کشور، آسیب‌پذیری‌اش آشکار شده، به این نتیجه رسیده که اتکای صرف به آمریکا کافی نیست. واشینگتن، چه در دوره اوباما، چه باین و چه ترامپ –در دوره اول و دوم- نشان داده که تمایل ندارد هزینه امنیت خلیج فارس را چون گذشته بر دوش بکشد. کاهش تدریجی حضور نظامی آمریکا در منطقه، و لزوم تمرکز آن بر رقابت با چین، و تردیدهایش در ورود به درگیری‌های جدید، همگی ریاض را به این جمع‌بندی رسانده‌اند که باید سپر امنیتی تازه‌ای شکل بگیرد؛ ترکیبی از قدرت‌های منطقه‌ای، نه بر حضور نظامی خارجی.

ترکیه رقیب سنتی عربستان در حوزه نفوذ جهان اسلام است؛ در ظاهر گزینه طبیعی برای یک پیمان مشترک نبود. ترکیه ترک سال‌ها داعیه رهبری جهان اسلام را داشته و با عربستان بر سر نفوذ در سوریه، قطر، اخوان المسلمین و حتی پرونده لیبی رقابت کرده است. پاکستان نیز میان ایران و عربستان تعادل برقرار کرده و از ورود مستقیم به جنگ یمن تاکنون خودداری کرده است. اما واقعیت این است که رقابت‌های نمادین مذهبی و سیاسی، در برابر تهدیدهای امنیتی مشترک رنگ می‌بازند. عربستان به قدرت نظامی و فناوری دفاعی ترکیه نیاز دارد؛ ترکیه به نفت، ثروت و جایگاه عربستان در جهان عرب، و پاکستان به حمایت مالی و سیاسی ریاض و اتکنا.ر این هم‌پوشانی منافع، همراه با نگرانی مشترک از گسترش نامنی در خلیج فارس و دریای سرخ، سه کشور را به این نتیجه رسانده که همکاری، سودمندتر از رقابت است.

پیمان دفاعی سه‌جانبه، در واقع پاسخی است به این پرسش که «چه کسی امنیت خلیج فارس را تضمین می‌کند؟» و پاسخ این‌بار نه آمریکا، بلکه ترکیبی از قدرت‌های منطقه‌ای است. عربستان با ثروت و نفوذش در جهان عرب، ترکیه با قدرت نظامی و صنعت دفاعی، و پاکستان با توان هسته‌ای و ارتش بزرگ، اکنون در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند تا ساختاری تازه برای بازدارندگی ایجاد کنند. این پیمان، اگرچه هنوز در مرحله اولیه است، اما ظرفیت آن برای پیوستن برخی کشورهای اسلامی و تغییر موازنه قدرت در خلیج فارس، دریای سرخ و حتی شرق مدیترانه قابل توجه است.

در این میان، اسرائیل این پیمان را با دقت زیر نظر دارد. ترکیب عربستان، ترکیه و پاکستان، سه کشور قدرتمند اسلامی حتی اگر مستقیم در ضدیت با اسرائیل تعریف نشود، از نگاه تل‌آویو یک پتانسیل تهدید بلندمدت است. حضور یک قدرت هسته‌ای در این محور، همراه با توان نظامی ترکیه و نفوذ مالی عربستان، می‌تواند در آینده موازنه قدرت را در منطقه تغییر دهد. اسرائیل تلاش خواهد کرد محور ابراهیم را تقویت کند، روابط امنیتی خود با هند را گسترش دهد و از آمریکا بخواهد هرگونه همکاری هسته‌ای با موشکی میان پاکستان و عربستان را زیر نظر بگیرد. تل‌آویو همچنین می‌کوشد ریاض را در مدار همکاری امنیتی نگه دارد تا از شکل‌گیری یک بلوک اسلامی مستقل و قدرتمند جلوگیری کند.

برای ایران، این پیمان به ظاهر یک تهدید مستقیم و فوری نیست، اما به طور غیرمستقیم فشار ژئوپلیتیک ایجاد می‌کند. تهران می‌داند که عربستان با این توافق در پی ساختن سپر امنیتی چندلایه در اطراف خود است و ترکیه و پاکستان می‌توانند در برخی پرونده‌ها، از جمله یمن، دریای سرخ و امنیت خلیج فارس، نقش فعال‌تری ایفا کنند. ایران احتمالاً تلاش خواهد کرد محور تهران-دوحه-مسقط –بغداد را تقویت کند و همکاری‌های موجود با چین و روسیه را در حوزه‌های امنیتی و اقتصادی تثبیت کند. و کارت هند را فعال‌تر کرده و بازدارندگی دریایی خود در تنگه هرمز را افزایش دهد. تهران همچنین از ابزارهای منطقه‌ای خود، از جمله حوثی‌ها، با احتیاط بیشتری استفاده خواهد کرد. حوثی‌ها یکی از بازیگران کلیدی‌اند که این پیمان می‌تواند بر آنها تأثیر بگذارد. عربستان با پشتوانه ترکیه و پاکستان ممکن است دفاع هوایی و امنیت دریایی خود را تقویت کند و فشار بیشتری بر حوثی‌ها وارد آورد. اما در مقابل، حوثی‌ها همچنان به‌عنوان ابزاری برای فشار در جنوب شبه‌جزیره و حتی تهدید مسیرهای دریایی مرتبط با اسرائیل باقی می‌مانند. در کنار این تحولات، نقش امارات و بحرین در پیمان ابراهیم اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. امارات طی سال‌های اخیر با اسرائیل همکاری امنیتی، اطلاعاتی و فناوری می‌کند. عربستان هم در بحرین نیز در مقیاس کوچک‌تر همکاری‌های امنیتی داشته است. زیرا است. نزدیکی عربستان به ترکیه و پاکستان، وزن محور ابراهیم را برای ابوظبی و منامه افزایش می‌دهد، زیرا این دو کشور برای حفظ نفوذ خود در نظم جدید منطقه‌ای، احتمالاً همکاری با اسرائیل را فعال‌تر می‌کنند تا از ظرفیت‌های امنیتی و اطلاعاتی تل‌آویو بهره بگیرند. امارات همچنین همکاری نظامی مهمی با مصر دارد؛ از حمایت از ارتش مصر در پرونده لیبی تا هماهنگی‌های امنیتی در دریای سرخ و شرق مدیترانه. این همکاری برای ابوظبی یک پشتوانه راهبردی است، زیرا مصر با وجود چالش‌های اقتصادی، همچنان یکی از قدرت‌های نظامی مهم جهان عرب است و می‌تواند در برابر افزایش وزن ترکیه و پاکستان نقش متوازن‌کننده داشته باشد. عمان نیز نقش سنتی خود را به‌عنوان میانجی آرام و بی‌طرف همچنان حفظ خواهد کرد و از ورود به بلوک‌بندی‌های سخت پرهیز می‌کند. در جمع‌بندی نهایی، پیمان دفاعی سه‌جانبه عربستان، ترکیه و پاکستان، منطقه را به سوی نظمی چندقطبی و پیچیده سوق می‌دهد؛ نظمی که در آن محورهای امنیتی مختلف هم‌زمان فعال‌اند: محور عربستان-ترکیه-پاکستان به‌عنوان ساختار نوظهور جهان اسلام، محور ابراهیم با حضور امارات، بحرین و اسرائیل، محور نرم ایران-قطر-عمان-عراق، و مثلث امنیتی: امارات-اسرائیل-هند. مصر در برابر انتخابی راهبردی قرار دارد: اینکه در نظم امنیتی جدید منطقه به کدام محور نزدیک‌تر شود و نقش خود را چگونه تعریف کند. هند نیز برای مهار پاکستان حضور خود را در خلیج فارس افزایش می‌دهد. این قطب‌بندی جدید، اگر تثبیت شود، نقشه امنیتی خاورمیانه و پیرامون آن را تا سال‌های آینده دگرگون خواهد کرد و موازنه قدرت را به گونه‌ای تغییر خواهد داد که پیامدهای آن در خلیج فارس، دریای سرخ، شرق مدیترانه و تا قباونوس هند قابل مشاهده خواهد بود.

زهره فراهانی: شورای عالی امنیت ملی پس از شهادت علی لاریجانی یکی از مهیم‌ترین دوره‌های خود را پشت سر گذاشت. محمدباقر ذوالقدر به دبیری شورا رسید، اما نماینده رهبری و صاحب رأی مستقل در شعام نبود. چهار ماه بعد، خبر استعفاى او و جانشینی محسن رضایی به رسانه‌ها راه یافت. خبرها تذبذب شدند، دوباره انتشار یافتند و ساعتی بعد از خروجی خبرگزاری‌ها کنار رفتند. سرانجام دو حکم در یک شب به این بلاتکلیفی پایان داد. شورای‌عالی امنیت ملی در ماه‌های گذشته فقط یکی از مراکز تصمیم‌گیری کشور نبود. جنگ، حمله به زیرساخت‌ها، درگیری در تنگه هرمز، مذاکرات غیرمستقیم و خطر گسترش نبرد. این ششورا را به اتاق اصلی مدیریت بحران تبدیل کرده بود. با این حال، راس دبیرخانه از نخستین روزهای پس از شهادت علی لاریجانی با یک ابهام مهم روبه‌رو شد.

علی لاریجانی از ۱۴ مرداد ۱۴۰۴ تا ۲۶ اسفند همان سال دبیری شورای‌عالی امنیت ملی را بر عهده داشت. او در حملات آمریکا و اسرائیل به ایران به شهادت رسید. هشت روز بعد، محمدباقر ذوالقدر با حکم مسعود پزشکیان و تأیید رهبری جانشین او شد. خبر انتصاب ذوالقدر چهارم فروردین ۱۴۰۵ از سوی دفتر رئیس‌جمهور اعلام شد. این‌را در معرفی دبیر تازه از صدور حکم رئیس‌جمهور با تأیید رهبری خبر داد. ذوالقدر با ساختارهای نظامی و امنیتی ناآشنا نبود؛ سابقه فرماندهی در سپاه، معاونت ستاد کل نیروهای مسلح و دبیری مجمع تشخیص مصلحت نظام را در کارنامه داشت. مسئله از جای دیگری آغاز شد. او دبیر شـورای‌عالی امنیت ملی بود، اما عنوان نماینده رهبری در ششورا را نداشت. این تفاوت در ظاهر حقوقی بود، اما در ساختار شعام اهمیت سیاسی داشت. دبیر، اداره دبیرخانه و پیگیری مصوبات را بر عهده دارد. نماینده رهبری یکی از اعضای رسمی شوراست و د تصمیم‌گیری‌ها رأی می‌دهد. بیشتر دبیران پیشین هر دو جایگاه را هم‌زمان در اختیار داشتند. ذوالقدر از این قاعده مستثنا بود.

ماجرای حق اعضا

در هفته‌های گذشته تعبیر «نداشتن حق امضاء» بارها درباره ذوالقدر تکرار شد. این عبارت از نظر حقوقی دقیق نیست. قانون اساسی، امضای مکاتبات دبیرخانه را به نمایندگی رهبری گره زده است. دبیر می‌تواند امور دبیرخانه را اداره کند و مسئول پیگیری مصوبات باشد. مسئله اصلی، عضویت و حق رأی در خود شوراست. اصل ۱۷۶ قانون اساسی اعضای شورای‌عالی امنیت ملی را مشخص کرده است. رؤسای سه قوه، رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح، مسئول سازمان برنامه و بودجه، وزرای خارجه، کشور و اطلاعات و دو نماینده رهبری از اعضای ثابت شورا هستند. دبیر شعام به خودی خود در این فهرست قرار ندارد. او زمانی رأی مستقل دارد که یکی از عناوین قانونی عضویت را نیز در اختیار داشته باشد. مصوبات ششورا نیز تنها پس از تأیید رهبری قابلیت اجرا پیدا می‌کنند. متن اصل ۱۷۶ قانون اساسی نیز بر حضور دو نماینده رهبری و لزوم تأیید مصوبات شورا تأکید دارد. بنابراین مسئله موقعیت ذوالقدر، بی‌اعتباری امضای اداری او نبود. فاصله میان جایگاه دبیر و کرسی نمایندگی رهبری، محل بحث قرار داشت. در شرایط عادی شاید این تفاوت چندان دیده نمی‌شد. در میانه جنگ، هر فاصله‌ای در زنجیره تصمیم‌گیری بیشتر به چشم می‌آید.

خبر زودتر از حکم

نام محسن رضایی حدود یک هفته پیش از اعلام رسمی حکم او، وارد خبرها شد. چند کانال خبری و سپس برخی رسانه‌ها از استعفاى ذوالقدر و تصمیم برای انتصاب رضایی خبر دادند. هنوز هیچ حکم رسمی‌ای منتشر نشده بود. روابط‌عمومی دبیرخانه نیز توضیح روشنی نداد. همین سکوت راه را برای روایت‌های مختلف باز کرد. یک روایت از اختلاف بر سر اداره دبیرخانه خبر می‌داد. روایت دیگر مدعی بود رئیس‌جمهور با دبیری محسن رضایی موافق نیست. بعضی خبرها نیز از مخالفت پزشکیان با استعفاى ذوالقدر حکایت داشت. روزنامه «سازندگی» ۱۷ مرداد به نقل از یک منبع آگاه نوشت رئیس‌جمهور استعفاى ذوالقدر را پذیرفته و از او خواسته با پذیرفتن محسن حاجی‌میرزایی، دهد. تپتر گزارش نیز چنین بود: «ذوالقدر همچنان دبیر ششورای‌عالی امنیت ملی است». همان روز، خبرنگاران در حاشیه نشست خبری دولت، موضوع را از پزشکیان پرسیدند. برخلاف آنچه بعدتر در بعضی کانال‌ها بازتاب یافت، رئیس‌جمهور گفت ذوالقدر همچنان در سمت خود باقی می‌ماند؛ او پاسخ داد: «یک‌سری اختلافات مطرح است که تلاش می‌کنیم برطرف شود». این جمله نه استعفا را رد کرد و نه جانشینی محسن رضایی را پذیرفت. محسن حاجی‌میرزایی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور نیز گفت هر زمان حکمی منتشر شود، خبرنگاران آن را خواهند دید. گزارش‌های منتشرشده از حاشیه نشست خبری همین پاسخ‌ها را ثبت کرده است. در همان چند کلمه، بخشی از واقعیت آشکار شد. اختلافی وجود داشت و هنوز حل نشده بود. افکار عمومی اما نمی‌دانست اختلاف میان چه کسانی است و بر سر کدام بخش از تصمیم شکل گرفته است؛ استعفاى ذوالقدر، انتخاب جانشین یا جمع‌شدن دو عنوان در اختیار محسن رضایی؟

انتشار و حذف یک انتصاب

روز بعد، خبرگزاری‌های فارس، تسنیم، مهر، ایسنا و چند رسانه دیگر از انتصاب محسن رضایی به نمایندگی رهبری در ششورای‌عالی امنیت ملی خبر دادند. بعضی رسانه‌ها هم‌زمان از دبیری او نیز نوشتند. هنوز حکم در پایگاه رسمی دفتر رهبری منتشر نشده بود. مدت کوتاهی بعد، خبرها یکی پس از دیگری از خروجی رسانه‌ها حذف شدند. این رفت و برگشت در شبکه‌های اجتماعی دیده شد و ابهام را بیشتر کرد. پرسش دیگر فقط این نبود که چه کسی دبیر شعام می‌شود؛ حالا این سؤال هم مطرح بود که چرا خبری در چنین سطحی، پیش از اعلام رسمی در اختیار خبرگزاری‌ها قرار گرفته است؟ حذف خبر، شایعه را متوقف نکرد. تا عصر ۱۸ مرداد تقریباً همه می‌دانستند محسن رضایی به ششورای عالی امنیت ملی می‌رود، اما زمان و ترتیب اعلام حکم روشن نبود. سرانجام حدود ساعت ۹ شب، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر رهبری حکم انتصاب محسن رضایی به‌عنوان نماینده رهبری در شورای‌عالی امنیت ملی را منتشر کرد. سیدمهدی طباطبائی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور، دقایقی بعد در شبکه ایکس نوشت پزشکیان نیز محسن رضایی را به دبیری شورا منصوب کرده است. او استعفاى ذوالقدر و پذیرش مسئولیتی تازه از سوی او را دلیل این تغییر اعلام کرد. هم‌زمان، ذوالقدر با حکم رهبری به سمت مشاور سیاسی منصوب شد. به این ترتیب، انتقال مسئولیت بدون اعلام برکناری پایان یافت. استعفا پذیرفته شد، جایگاهی تازه برای ذوالقدر در نظر گرفته شد و محسن رضایی هر دو عنوان دبیر شعام و نماینده رهبری را در اختیار گرفت.

بازگشت رضایی به اتاق تصمیم

با حکم تازه، محسن رضایی و سعید جلیلی دو نماینده رهبری در

روایت «شرق» از ابهامات چهارماهه در رأس مهم‌ترین نهاد امنیتی کشور

شعام: از ابهام تا تغییر

بعد از یک هفته گمانه‌زنی، در نهایت محسن رضایی جایگزین ذوالقدر شد



شورای‌عالی امنیت ملی شدند. حضور هم‌زمان این دو چهره از همان ساعات نخست واکنش‌هایی به دنبال داشت. رضایی و جلیلی فقط دو عضو ششورا نیستند؛ هرکدام سابقه و برداشت متفاوتی از سیاست خارجی، مذاکره و مدیریت پرونده‌های امنیتی دارند. جلیلی با دوران دبیری شعام و مذاکرات هسته‌ای شناخته می‌شود. رضایی نیز سابقه فرماندهی سپاه در جنگ هشت‌ساله و دبیری مجمع تشخیص مصلحت نظام را دارد. دبیر ششورا به‌تنهایی سیاست امنیتی کشور را تعیین نمی‌کند؛ ریاست شعام با رئیس‌جمهور است و تصمیم‌ها در جمع اعضا گرفته می‌شوند. مصوبات نیز به تأیید رهبری نیاز دارند. با این حال، دبیر در تنظیم دستور جلسات، هماهنگی میان دستگاه‌ها و پیگیری اجرای تصمیم‌ها نقش محوری دارد. همین جایگاه در دوره بحران اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. انتخاب محسن رضایی را نمی‌توان جدا از وضعیت نظامی کشور بررسی کرد. او در جنگ ۱۲‌روزه و جنگ اخیر، مسئولیت عملیاتی اعلام‌شده‌ای نداشت، اما یکی از فعال‌ترین چهره‌ها در دفاع از راهبرد نظامی جمهوری اسلامی بود. رضایی پس از جنگ ۱۲روزه بارها درباره عملکرد نظامی ایران سخن گفت، او تأکید داشت اطلاعات علنی، نقش عملیاتی مشخصی برای رضایی در این دو جنگ ثبت نکرده است. نقش آشکار او بیشتر در سطح تحلیل، اعلام موضع و دفاع از ادامه فشار نظامی بود. بنابراین انتصاب تازه را نمی‌توان ادامه یک فرماندهی رسمی دانست. این حکم، تجربه نظامی او را به مرکز تصمیم‌سازی امنیتی کشور بازگردانده است. زمان انتخاب نیز معنا دارد. ایران هنوز از وضعیت جنگی خارج نشده است. درگیری در تنگه هرمز ادامه دارد، پرونده مذاکره با عمان باز است، خطر حمله به زیرساخت‌های انرژی از بین نرفته و اختلاف بر سر آتش‌شس را ادامه فشار نظامی پایان نیافته است. در چنین شرایطی، دبیرخانه شعام به فردی سپرده شده که در هفته‌های گذشته از توقف جنگ بدون دریافت تضمین دفاع نکرده است. سیدنظام‌الدین موسوی، نماینده پیشین مجلس و مدیرعامل سابق خبرگزاری فارس، در دو مرحله گفت‌وگو با «شرق» به بررسی جایگاه ششورای‌عالی امنیت ملی، انتخاب محسن رضایی و حاشیه‌های شکل‌گرفته پس از این انتصاب پرداخت.

مأموریت رضایی برای انسجام در شعام

سیدنظام‌الدین موسوی در گفت‌وگو با «شرق» از مأموریت دبیر تازه شورای‌عالی امنیت ملی می‌گوید انتصاب محسن رضایی به دبیری ششورای‌عالی امنیت ملی، پس از چند روز انتشار خبرهای متناقض و گمانه‌زنی درباره اختلاف در رأس شعام، سرانجام قطعی شد. سیدنظام‌الدین موسوی همچنین می‌گوید مأموریت دبیر تازه در میانه جنگ، ایجاد هماهنگی میان ارکان سیاسی و نظامی و تقویت توان تصمیم‌گیری در مهم‌ترین نهاد امنیتی کشور است. او در پاسخ به این پرسش که «محسن رضایی با حکم رهبری به نمایندگی ایشان در ششورای‌عالی امنیت ملی منصوب شد و رئیس‌جمهور نیز حکم دبیری او را صادر کرد. این انتخاب را چگونه ارزیابی می‌کنید؟» می‌گوید: مطابق روال گذشته، رئیس‌جمهور معمولاً یکی از نمایندگان رهبری در ششورای‌عالی امنیت ملی را به عنوان دبیر شورا انتخاب می‌کند. محسن رضایی نیز با توجه به سوابق و شرایط موجود، فردی است که می‌تواند در این جایگاه مؤثر باشد. تا جایی که اطلاع دارم، خود آقای رضایی تمایل زیادی به پذیرش این مسئولیت نداشت. با این حال، براساس اخباری که شنیده‌ام، رهبری با توجه به شرایط فعلی کشور و سوابق و تجارب آقای رضایی بر حضور او تأکید داشته‌اند. حضور ایشان می‌تواند به پیشبرد اهداف کشور کمک کند. او می‌افزاید: دبیر ششورای‌عالی امنیت ملی باید عضو ششورا و صاحب رأی باشد. محمدباقر ذوالقدر چهره‌ای باسابقه، باتجربه و صاحب وزن در نظام است. با این حال، حضور او در جایگاه دبیری بدون عضویت و حق رأی در ششورا، شاید از نظر شان سیاسی برای خود ایشان نیز مناسب نبود. اکنون با صدور حکم نمایندگی رهبری و سپس حکم رئیس‌جمهور، محسن رضایی هم عضو صاحب رأی شوراست و هم مسئولیت اداره دبیرخانه را برعهده دارد. این وضعیت می‌تواند به قوام و انسجام بیشتر ششورای‌عالی امنیت ملی کمک کند. او با بیان اینکه «باید درباره آقای ذوالقدر نیز متصفانه قضاوت کرد» توضیح می‌دهد: ایشان در مدت مسئولیت خود زحمات زیادی کشید و از چهره‌های باسابقه نظام است. آقای ذوالقدر و آقای رضایی نزدیک به ۵۰ سال سابقه رفاقت و همکاری تشکیلاتی دارند. این ارتباط از مبارزات پیش از پیروزی انقلاب آغاز شد و در دوران جنگ و سال‌های فعالیت در سپاه ادامه یافت.

موسوی در پاسخ به این پرسش هم که «بخشی از جامعه منتظر تغییر در

برخی مسئولیت‌های مهم است. آیا این انتصاب می‌تواند مقدمه تغییرات دیگری باشد؟» می‌گوید: تغییر در بعضی بخش‌ها ضروری است. اصلاح و تحول، اگر در مسیر درستی انجام شود، امری مطلوب و پسندیده محسوب می‌شود. با این حال، ششورای‌عالی امنیت ملی از آن مجموعه‌هایی نیست که تغییرات گسترده در ترکیب آن به‌سادگی امکان‌پذیر باشد. بخش عمده اعضای ششورای‌عالی امنیت ملی به اعتبار جایگاه حقوقی خود در جلسات حضور دارند. رئیس‌جمهور، رؤسای قوا، برخی وزیران و فرماندهان نظامی عضو ششورا هستند. این افراد را نمی‌توان

مستقل از مسئولیت اصلی‌شان تغییر داد.

شورای‌عالی امنیت ملی محل آزمون وخطا نیست

موسوی در ادامه می‌افزاید: نمایندگان رهبری نیز باید از میان افرادی انتخاب شوند که تجربه و سابقه‌ای قابل اتکا در حوزه‌های امنیتی داشته باشند. این تجربه فقط به امنیت نظامی محدود نمی‌شود. امنیت سیاسی و اقتصادی نیز اهمیت دارد. او در ادامه صریح می‌کند: ششورای‌عالی امنیت ملی محل آزمون‌وخطا نیست. انتخاب فردی مانند محسن رضایی به نمایندگی رهبری نیز از اهمیت همین جایگاه ناشی می‌شود. کسی که در این شورا حضور پیدا می‌کند، باید تجربه عبور از بحران‌ها را داشته باشد. امنیت موضوعی تک‌بعدی نیست. ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی دارد. نقش ششورای‌عالی امنیت ملی نیز به‌ویژه در دوره بحران آشکار می‌شود.

این نماینده پیشین مجلس با اشاره به نقش آفرینی شهید لاریجانی می‌افزاید: در اینجا باید از شهید علی لاریجانی یاد کنیم. پس از حمله سنجین، بی‌سابقه و ظالمانه آمریکا و اسرائیل به ایران، رهبر کشور، تعدادی از فرماندهان و ششاری از مسئولان به شهادت رسیدند. در آن شرایط، نقش علی لاریجانی به عنوان دبیر ششورای‌عالی امنیت ملی بسیار مهم بود. موسوی می‌افزاید: او در فاصله ۱۰روزه تا انتخاب رهبر جدید، نقشی تاریخی ایفا کرد. کشور هم‌زمان درگیر یک جنگ تمام‌عبار بود. در آن دوره، بخش مهمی از هماهنگی ساختار سیاسی و اداری کشور با تلاش‌های شهید لاریجانی پیش رفت.

به گفته این چهره سیاسی: «مسیری از تمهیدات از قبل در ششورای‌عالی امنیت ملی پیش‌بینی شده بود.» او می‌افزاید: مشخص بود اگر حمله‌ای به ایران صورت بگیرد، دستگاه‌های مختلف باید چه اقداماتی انجام دهند. علی لاریجانی با تکیه بر این تمهیدات و تجربه‌ای که از بحران‌های گذشته داشت، توانست آن دوره دشوار را مدیریت کند. همین تجربه نشان می‌دهد دبیر ششورای‌عالی امنیت ملی باید چه جایگاهی داشته باشد. او باید سابقه مواجهه با بحران‌های بزرگ را در کارنامه خود داشته باشد و بتواند در شرایط پیش‌بینی‌نشده، هماهنگی دستگاه‌های کشور را حفظ کند.

او در ادامه تأکید دارد: به نظر من، محسن رضایی با توجه به سوابق و تجارب خود می‌تواند در این جایگاه مؤثر باشد. او قادر است امور دبیرخانه ششورای‌عالی امنیت ملی را به‌ویژه در شرایط فعلی پیش ببرد و به تحقق اهداف کشور کمک کند.

او در پاسخ به پرسش دیگر «شرق» درباره «چه ویژگی‌هایی محسن رضایی را برای اداره دبیرخانه ششورای‌عالی امنیت ملی مناسب کرده است؟» هم می‌گوید: نخستین ویژگی او، تجربه طولانی در حوزه‌های نظامی و امنیتی است. آقای رضایی در دوران جنگ فرمانده سپاه بود و پس از پایان جنگ نیز چند سال در این مسئولیت باقی ماند. او به عنوان نماینده رهبری در ششورای‌عالی امنیت ملی، سیاست‌های کلی مدنظر رهبری را دنبال خواهد کرد. همه قوا نیز موظف‌اند همین سیاست‌ها را پیش ببرند. بنابراین، آقای رضایی در این جایگاه قرار نیست نظر شخصی خود را دنبال کند. اولویت او اجرای سیاست‌های کلی تعیین‌شده از سوی رهبری خواهد بود.

پزشکیان در جلسه‌ای حاضر شد که در منزل محسن رضایی برگزار شده بود
او در ادامه می‌افزاید: از سوی دیگر، او روابط مناسبی با سران سه قوه دارد. درباره رابطه‌اش با رئیس‌جمهور نیز نمونه روشنی وجود دارد. پس از انتخابات ریاست‌جمهوری، آقای پزشکیان در جلسه‌ای حاضر شد که در منزل محسن رضایی برگزار شده بود. این حضور نشان می‌دهد رئیس‌جمهور، آقای رضایی را چهره‌ای نخبه، صاحب‌نظر و دارای ارتباطات گسترده می‌داند. محسن رضایی نیز در دوره‌های مختلف نشان داده است می‌تواند با رؤسای‌جمهور کار کند و برای جایگاه سیاسی و قانونی آنان احترام قائل است.

ممکن است آقای رضایی و آقای جلیلی در برخی موضوعات اختلاف دیدگاه داشته باشند

او همچنین درباره نقش جلیلی در ششورای‌عالی امنیت ملی می‌افزاید: درباره آقای جلیلی نیز تقابلی وجود ندارد. آمدن محسن رضایی به ششورای‌عالی امنیت ملی در تعارض با جایگاه سعید جلیلی نیست. آقای جلیلی هم نماینده رهبری و عضو ششورای عالی امنیت ملی است. او در ادامه می‌گوید: ممکن است آقای رضایی و جلیلی در برخی موضوعات اختلاف دیدگاه با نظر کارشناسی داشته باشند. چنین اختلافی در ششورای عالی امنیت ملی طبیعی است. با این حال، هر دو نفر باید سیاست‌های کلی مدنظر رهبری را دنبال کنند. حضور هم‌زمان این دو چهره را نباید به شکل یک دوقطبی سیاسی یا رقابت شخصی تفسیر کرد. آقای جلیلی و آقای رضایی در چارچوب سیاست‌های کلان کشور و مسئولیتی که بر عهده دارند، فعالیت خواهند کرد.

در گذشت زنده‌یاد حاج عبدالغفور ایران‌نژاد

نماینده جابهار، نیک‌شهر، کنارک و قصر قند در مجلس شورای اسلامی موجب تأسف و تأثر شد.

از خداوند متعال برای آن مرحوم، علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر آرزومندیم.

باقر کرد، عظیم‌شهبخش، عزیزالله مجاهد، عبدالحکیم بجارزهی، موسی رئیس، امیر کلمتی، حاج امان‌الله شهبخش، حاج مجیدشهبخش سردار یحیی براهونی، علی کریمی، هادی نذرت زهی، صدیق دهواری، عبدالر حمان جمشیدزهی، علی ظفریابی، حبیب ابراهیمی عبدالر حمان جهانزنده، یاسر براهونی، نور محمد بخشانی، مهرا ن امینی فرد، محمد رضا امینی فرد، عبدالواحد شهنواری عبدالسلام پاک زاده، محمدامین دهواری، مجید احلال زهی، عبدالله شاهوزهی، محمد اریش، سعید موحّد، بهزاد بهادری امین الله هاشمزیهی، عبدالواسع پاک زاده، مشتاق احمد ریگی، مهدی ریگی مطلق، چنگیز نارونی، زرگر با گمشادزهی ناصر در کاله عبدالجلیل، شهنواری میر جاوه، عبدالغالب بجارزهی، خداداد بلیده، سیامکر ریگی، مرتضی سنجرانی پور، عبدالمنعم رئیس یاسر کرد، عیدور ریگی فرد، سعید محمدزهی، عبدالله کنری زاده، ابراهیم رحمتی، اکبر بادپا، محمدمهینی، ابراهیم افرازه، ناصر ریگی جمشید حسین زهی، ظفر احمد دیدگاه، اکبر دکالی، اسلام آسوده، عطاءالله بجارزهی، کامبیز مشتاق گوهری، اسماعیل حسین زهی عبدالقادر پربار، داد کریم باشند، عبدالکریم ریسی، عبدالباسط میر گازهی، محمد حسین نونی زهی محمد حسین زاده، صدیق حسین زاده، محمد بلوچ زهی